

Influence of Western Culture on House Architecture from Jalal Al-e Ahmad Viewpoint: A Focus on Pahlavi-Era Houses in Urmia

Sahar Karimzadeh¹, Mohammadreza Pakdel Fard^{2}, Babak Motiei³, Rasoul Darskhan⁴**

¹ Ph.D. Student in Architecture, International Aras Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
saharkarimzadeh21@gmail.com

² Associate professor, Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
m.pakdelfard@srbiau.ac.ir

³ Assistant professor, Department of Architecture, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.
Babak.motiei@iau.ac.ir

⁴ Assistant professor, Department of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
darskhan@iaut.ac.ir

KEYWORDS

Received: 14 February 2025
Revised: 14 March 2025
Accepted: 03 April 2025
Available Online: 01 July 2025

Article type: Research Paper
DOI:

ABSTRACT

The residential architecture of the Pahlavi era in Iran witnessed significant changes due to modernization policies and the influence of Western culture. Examining the influence of Western culture on the architecture of houses during this period, particularly Urmia, can contribute to a better understanding of the consequences of these changes. This research intends to investigate the influence of Western culture on the Pahlavi-era house architecture in Urmia, based on Jalal Al-e-Ahmad's viewpoint. This research follows a descriptive-analytical method, utilizing data collected by field observation, analyzing historical documents, and interviewing with both residents and experts. The study utilized purposive samples, focusing on 24 Pahlavi-era houses that demonstrate the architectural transformation influenced by Western culture. The results of the research During this period, the removal of social elements such as courtyards, the use of non-native materials, and the imitation of imported forms led to fundamental changes in architectural structures. These changes not only weakened the identity of Iranian architecture but also resulted in the standardization of designs and a decline in creativity in building construction. Moreover, the incompatibility of some buildings with the regional climate and an excessive focus on appearance reflect the expansion of consumerist architecture and a diminished emphasis on traditional and local principles. Overall, these transformations led to a weakening of the connection between architecture and Iran's indigenous culture.

KEYWORDS

Western Culture, Pahlavi-era Architecture, House Architecture, Urmia, Jalal Al-e- Ahmad

* Corresponding author. Mohammadreza Pakdel Fard
E-mail address: m.pakdelfard@srbiau.ac.ir



تأثیر فرهنگ غرب بر معماری خانه از دیدگاه جلال ال احمد

نمونه موردی خانه های دوره پهلوی شهر ارومیه

سحر کریم زاده^۱، محمدرضا پاکدل فرد^{۲*}، بابک مطیعی^۳، رسول درسخوان^۴

^۱ دانشجوی دکتری معماری، واحد بین الملل ارس، دانشگاه آزاداسلامی، تبریز، ایران.
saharkarimzadeh21@gmail.com

^۲ دانشیار گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاداسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)
m.pakdelfard@srbiau.ac.ir

^۳ استادیار گروه معماری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاداسلامی، ارومیه، ایران.
Babak.motiei@iau.ac.ir

^۴ استادیار گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاداسلامی، تبریز، ایران.
darskhan@iaut.ac.ir

چکیده

معماری مسکونی دوره پهلوی در ایران تحت تأثیر سیاست‌های مدرنیزاسیون و نفوذ فرهنگ غرب دچار تغییرات اساسی شد. بررسی تأثیر فرهنگ غرب بر معماری خانه‌های این دوره، به‌ویژه در شهر ارومیه، می‌تواند به درک بهتر پیامدهای این تغییرات کمک کند. این تحقیق با هدف بررسی تأثیر فرهنگ غرب بر معماری خانه‌های دوره پهلوی در ارومیه، بر اساس دیدگاه‌های جلال آل احمد انجام شده است. تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها از طریق مشاهده میدانی، بررسی مستندات تاریخی و مصاحبه با ساکنان و کارشناسان جمع‌آوری شده است. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شده و ۲۴ خانه متعلق به دوره پهلوی که تغییرات معماری ناشی از فرهنگ غرب در آن‌ها مشهود است، بررسی شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در این دوره، حذف عناصر اجتماعی مانند حیاط، استفاده از مصالح غیربومی و تقلید از فرم‌های وارداتی، موجب تغییرات اساسی در ساختار معماری شده است. این تغییرات علاوه بر تضعیف هویت معماری ایرانی، باعث یکسان‌سازی طراحی‌ها و کاهش خلاقیت در ساخت بناها شدند. همچنین، ناسازگاری برخی ساختمان‌ها با اقلیم منطقه و تمرکز بیش‌ازحد بر ظاهر بناها، نشان‌دهنده گسترش معماری مصرف‌گرا و کمرنگ شدن توجه به اصول سنتی و بومی است. در مجموع، این تحولات منجر به کاهش پیوند میان معماری و فرهنگ بومی ایران شده است.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۱/۲۶

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۱/۱۴

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۰۴/۱۰

مقاله علمی پژوهشی

واژگان کلیدی

فرهنگ غرب، معماری دوره پهلوی، معماری خانه، ارومیه، جلال ال احمد

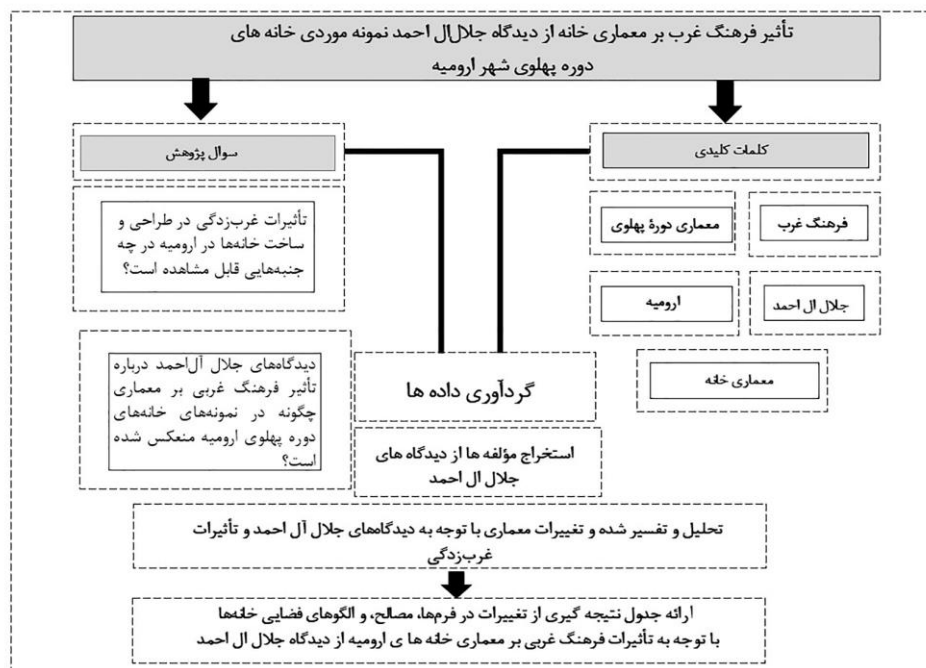
مقدمه

در هر جامعه، فرهنگ وظیفه اصلی خود را در نمایش ایده‌های ذهنی از طریق نمودهای عینی بر عهده دارد و معماری در این زمینه نقشی اساسی ایفا می‌کند. مردم در هر فرهنگ به شیوه‌ای خاص زندگی می‌کنند که با فرهنگ‌های دیگر متفاوت است و این تفاوت‌ها نیاز به طراحی محیط‌هایی متناسب با رفتارهای هر جامعه را ضروری می‌سازد و همچنین معماری باید به گونه‌ای باشد که مناسب با نوع رفتارها و عملکردهای فرهنگی جامعه باشد (مؤمنی و مسعودی، ۱۳۹۵). معماری و محیط زندگی یکی از جنبه‌های مهم در شکل‌گیری زندگی روزمره مردم می‌باشد. ساختار شهری و معماری باید با احترام به رسوم و سلیقه‌های ناشی از فرهنگ محیطی شکل گیرد (حیدری، الستی و بلخاری قهی، ۱۴۰۲). برخی از نظریه‌پردازان معماری معتقدند که فرهنگ یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در طراحی معماری، به ویژه در طراحی مسکن است. از این رو، شکل‌گیری فضای ساختمان مسکونی در هر منطقه، چه در شهر و چه در کشور، باید با فرهنگ عمومی آن منطقه هماهنگ باشد. به عبارت دیگر، خانه به عنوان فضایی برای ارتباط با دیگران، هویت خاص خود را دارد که تحت تأثیر فرهنگ و ویژگی‌های اجتماعی آن منطقه شکل می‌گیرد (محبی‌گرمی، فرمیپنی و غیائی، ۱۴۰۰: ۵۱۹). در دوره پهلوی، ایران به ویژه در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفت. معماری یکی از حوزه‌هایی بود که تغییرات عمده‌ای را تجربه کرد و شکل‌گیری خانه‌ها و فضاهای مسکونی نیز از این تغییرات مستثنی نبود. جلال‌ال احمد به عنوان یکی از منتقدان برجسته این دوره، تأثیر فرهنگ غرب بر معماری ایران را از جمله مقولات مهمی می‌داند که منجر به تغییرات ساختاری و فرهنگی در معماری خانه‌ها شده است. او این تغییرات را به عنوان «غرب‌زدگی» می‌شناسد. جلال‌ال احمد در طول حیاتش همواره دغدغه مسائل فرهنگی جامعه را داشت و نگران گسیختگی فرهنگی بود. او ریشه‌های این گسیختگی را در تاریخ جست‌وجو می‌کرد و معتقد بود نفوذ فرهنگ غربی، از زمان حمله مغول و تیمور، جنگ‌های ایران و عثمانی و حوادث مشروطه آغاز شده است. او تخریب سنت‌ها، تضعیف هویت فرهنگی، ایجاد تعارضات اجتماعی و تحقیر ارزش‌های سنتی را از نتایج این نفوذ می‌دانست که به احساس بی‌ریشگی در جامعه انجامیده است (فتحی راسخ، ۱۳۸۶: ۱۴۵). جلال آل احمد در آثار خود مانند کتاب غرب‌زدگی، کارنامه سه ساله، هفت مقاله و کتاب ارزیابی شتابزده به نقد غرب از جنبه‌های فرهنگ هنری و اجتماعی پرداخته است. به همین دلیل، دیدگاه‌های وی می‌تواند به درک بهتر تغییرات معماری مسکونی در این دوره کمک کند. شهر ارومیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تعامل تاریخی با فرهنگ‌های خارجی، یکی از نخستین شهرهایی بود که تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفت. حضور میسیونرهای خارجی و تأسیس مدارس، بیمارستان‌ها و کتابخانه‌های مدرن، زمینه‌ساز آشنایی مردم این شهر با فرهنگ غربی شد (کاویان‌پور، ۱۳۷۲: ۴۴۵). در دوره پهلوی، این تأثیرات شدت بیشتری یافت و معماری مسکونی شهر دستخوش تغییراتی شد که بررسی آن می‌تواند الگوی مشخصی از روند غرب‌گرایی در معماری مسکونی ارائه دهد. پوراعتصامی (۱۳۹۹) در مقاله‌ی مقدمه‌ای بر تحلیل تأثیر نفوذ فرهنگی غرب بر معماری مسکونی معاصر ایران در دوران قاجار و پهلوی، مسیر تحول معماری مسکونی از دوره قاجار تا پهلوی دوم را بررسی کرده و نشان داده است که چگونه اصول معماری سنتی، مانند محرمیت و فضاهای اندرونی، تحت تأثیر غرب‌گرایی تضعیف شده و به تدریج جای خود را به بی‌هویتی رسیده است. ماجدی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله خود با عنوان اصول و معیارهای تأثیر گذار بر هویت کالبدی معماری معاصر ایران (مطالعه موردی دوره‌ی پهلوی دوم)، با تمرکز بر معماری پهلوی دوم، به تأثیر اندیشه‌های مدرن اروپایی بر معماری ایران پرداخته و آن را دوره گذار از سنت به مدرنیسم دانسته‌اند که در آن معماری شبه‌مدرنیستی با تقلید از سبک‌های بین‌المللی شکل گرفته است. با توجه به اهمیت هویت فرهنگی در معماری و افزایش نفوذ سبک‌های غربی در دوران پهلوی، بررسی تأثیر این تغییرات بر معماری

خانه‌های ایرانی ضروری است. تحلیل خانه‌های دوره پهلوی در ارومیه از منظر جلال آل احمد، می‌تواند درک عمیق‌تری از پیامدهای فرهنگی این تغییرات ارائه داده و به بررسی روند تحول معماری مسکونی در ایران کمک کند. همچنین، این پژوهش می‌تواند الگویی برای ارزیابی تأثیرات فرهنگی در معماری معاصر ارائه دهد. هدف این تحقیق بررسی تأثیر فرهنگ غرب بر معماری خانه‌ها در دوران پهلوی، با تأکید بر دیدگاه جلال آل احمد و تحلیل نمونه‌های خانه‌های دوره پهلوی در شهر ارومیه است. سوالات تحقیق عبارت است از اینکه تأثیرات غرب‌زدگی در طراحی و ساخت خانه‌ها در ارومیه در چه جنبه‌هایی قابل مشاهده است؟ دیدگاه‌های جلال آل احمد درباره تأثیر فرهنگ غربی بر معماری چگونه در نمونه‌های خانه‌های دوره پهلوی ارومیه منعکس شده است؟ در راستای پاسخ به سوالات پژوهش ابتدا، مبانی نظری مرتبط با فرهنگ و معماری بررسی شده و سپس، دیدگاه جلال آل احمد در نقد غرب‌زدگی بررسی شده است. در ادامه، نمونه‌هایی از خانه‌های دوره پهلوی در ارومیه انتخاب و تأثیرات فرهنگ غرب بر معماری آن‌ها با توجه به مؤلفه‌ها معماری استخراج شده از دیدگاه‌های جلال آل احمد مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت نتیجه‌گیری ارائه گردیده است.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است که به منظور بررسی تأثیر فرهنگ غرب بر معماری خانه‌ها در دوره پهلوی، به ویژه در شهر ارومیه، انجام شده است. در این تحقیق، ابتدا به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته شده است که داده‌ها شامل پلان تصاویر بناها می‌باشند و سپس تحلیل‌هایی درباره تغییرات معماری خانه‌ها و تأثیرات غرب‌زدگی انجام شده است. نمونه‌گیری این تحقیق به شیوه هدفمند و در دسترس انجام شده است. در این فرآیند، از میان خانه‌های موجود در شهر ارومیه، تعداد ۲۴ خانه که از لحاظ تاریخی و معماری مربوط به دوره پهلوی می‌باشند، انتخاب شده‌اند این خانه‌ها به‌طور خاص دارای ویژگی‌هایی می‌باشند که تغییرات معماری آن‌ها تحت تأثیر فرهنگ غرب قابل مشاهده باشند. نمونه‌ها به‌صورت هدفمند در دسترس انتخاب شده‌اند تا نمایانگر تنوع در فرم، مصالح، و ویژگی‌های فضایی خانه‌ها در این دوره باشند. پس از انتخاب نمونه‌ها، داده‌ها از طریق مشاهده میدانی، بررسی مستندات و منابع تاریخی، و مصاحبه با ساکنان یا کارشناسان محلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و سپس، اطلاعات به‌دست‌آمده تحلیل شده است و سپس تغییرات معماری با توجه به دیدگاه‌های جلال آل احمد و تأثیرات غرب‌زدگی بررسی شدند در نهایت، تحلیل‌ها به شواهدی از تغییرات در فرم‌ها، مصالح، و الگوهای فضایی خانه‌ها منتهی شدند در شکل (۱) به فرایند تحقیق پرداخته شده است.



شکل ۱: فرآیند تحقیق (نگارندگان)

پیشینه تحقیق

مطالعات مرتبط با موضوع تأثیر فرهنگ بر معماری و شهرسازی ایران، به‌ویژه در دوره پهلوی، در چند حوزه اصلی دسته‌بندی می‌شوند. بر اساس بررسی پنج پژوهش مرتبط، می‌توان آن‌ها را در دو دسته کلی قرار داد که دو پژوهش در حوزه تأثیر فرهنگ و هویت بومی بر معماری مسکونی و سه پژوهش در حوزه تأثیر جریان‌های فکری غرب‌گرایی بر معماری دوره پهلوی می‌باشند. در خصوص تأثیر فرهنگ و هویت بومی بر معماری مسکونی، محمد مرادی و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله گونه‌شناسی کالبدی-فرهنگی خانه‌های سنندج در دوره پهلوی اول (نمونه موردی: خانه‌های احمدزاده، امیرآصفی و مصری) به بررسی تأثیر فرهنگ مردم منطقه بر شکل‌گیری گونه‌های خانه‌های شهر سنندج در دوره پهلوی اول پرداخته‌اند. خانه‌های تاریخی سنندج، به ویژه خانه‌های احمدزاده، امیرآصفی و مصری، به عنوان نمونه‌های موردی، با نگاهی فرهنگی-کالبدی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. هدف اصلی پژوهش، مطالعه رابطه بین کالبد معماری این خانه‌ها و فرهنگ منطقه کردستان است و همچنین واکاوی ویژگی‌های معماری خانه‌های سنندج در این دوره از منظر فرهنگی منطقه. نتایج نشان می‌دهد که فضای باز و بسته خانه‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری کالبد آن‌ها داشته و عواملی همچون حفظ حریمیت و رعایت آداب و رسوم از شاخص‌های فرهنگی برجسته در خانه‌های مذکور است که هویت اجتماعی و فرهنگی بومی سنندج را حفظ کرده‌اند. همچنین در مقاله فیروزفر و همکاران (۱۴۰۳)، با عنوان میزان تجلی سنت و مدرنیته در خانه‌های تاریخی تبریز بر اساس دیدگاه معماران پرداخته‌اند این پژوهش به بررسی چگونگی تأثیر این تحول بر ماهیت خانه‌ها از دیدگاه معماران پرداخته‌اند این مطالعه با رویکرد تحلیلی-تاریخی انجام شده و داده‌ها از طریق اسناد، مشاهدات میدانی و روش پیمایشی گردآوری شده است. برای ارزیابی میزان تجلی سنت و مدرنیته در معماری خانه‌های تاریخی تبریز، پنج مؤلفه شامل روابط فضایی، تزئینات داخلی، نمای اصلی، روش

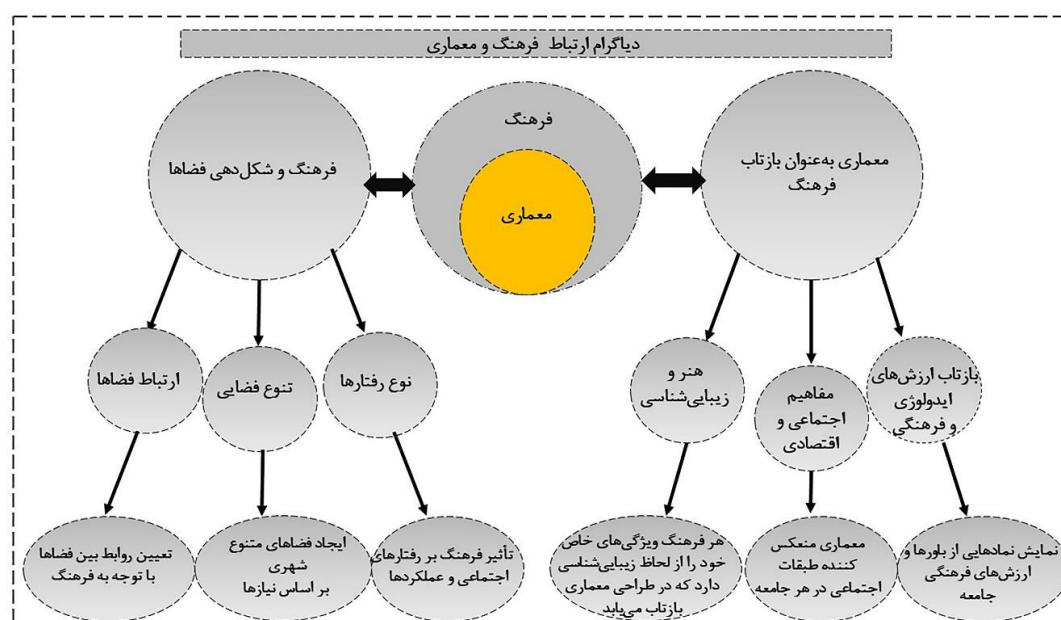
ساخت و مصالح مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در ارتباط با تأثیر جریان‌های فکری غرب‌گرایی بر معماری دوره پهلوی، کابلی (۱۴۰۲)، در مقاله واکاوی عوامل فرهنگی و هویتی در شهرسازی و معماری دوره پهلوی (مطالعه موردی: شهر اهواز) به بررسی تأثیر عوامل فرهنگی (نما و پلان) در شهرسازی و معماری دوره پهلوی، با تمرکز بر سه بنای مهم شهر اهواز، شامل دانشکده سه‌گوش، ساختمان سیلو و هتل قو، می‌پردازد. این دوره شاهد تحولات بسیاری در فرم پلان‌ها و نفوذ غرب‌گرایی در معماری بود. روش تحقیق کاربردی و پیمایشی است و داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که استفاده از شاخص‌های نما و پلان در معماری دوره پهلوی در مقایسه با معماری مدرنیسم اروپایی از نظر معناداری تفاوتی نداشته و ارتباط معناداری بین این شاخص‌ها وجود ندارد. مظهری و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله بازتاب انتظارات فرهنگ برساخته شرق‌شناسی در بازنمایی معماری معاصر ایران به تحلیل انتقادی ادوارد سعید از «شرق‌شناسی» و تأثیر آن بر نمایشگاه‌های جهانی می‌پردازند. طبق دیدگاه سعید، بازنمود تصویری شرق در هنر و پژوهش‌های علمی غرب به‌عنوان یک ابزار استعماری، نه تنها تحریف ایدئولوژیک برای دستیابی به نظم سیاسی نوظهور (دوران مدرن) است، بلکه یک تصور منسجم از مشرق زمین است که آن را به‌عنوان واقعیتی متمایز از غرب و ابژه‌ای برای میل شناخت غربی سازماندهی می‌کند. نمایشگاه‌های جهانی عرصه‌ای برای نمایش این دو دنیای متفاوت (غربی/ شرقی) و تقابل فرهنگ‌های منطقی/ خیالی و نظم/ بی‌نظمی اسطوره‌ای هستند. حضور ایران در این نمایشگاه‌ها، به‌ویژه در دوران پهلوی اول، به دلیل موقعیت استراتژیک و تاریخ کهن آن در علم و هنر، اهمیت ویژه‌ای یافت. این نمایشگاه‌ها منابعی برای ساخت مفاهیم و قواعد سیاسی وابسته به شرق‌شناسی شدند. مقاله با تمرکز بر سه نمایشگاه جهانی هنر فیلادلفیا (۱۹۲۶)، برلینگتون (۱۹۳۱) و بروکسل (۱۹۳۵)، به تحلیل گفتمانی حضور ایران در این نمایشگاه‌ها پرداخته و بررسی می‌کند که چگونه انتظارات گفتمان شرق‌شناسانه از این مسیر برآورده می‌شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که معماری غرفه‌های ایرانی در این نمایشگاه‌ها، هنر ایران را به‌عنوان یک شیء موزه‌ای در نظم نمایشگاهی محاط و محصور کرده و ایران را به‌عنوان یک تصویر اگزوتیک برای غرب نمایش می‌دهد.

مبانی نظری

فرهنگ و معماری

فرهنگ در تعاملات اجتماعی و عوامل شکل‌دهنده آن، یک چرخه‌ای از عوامل متقابل را تشکیل می‌دهد که به‌طور جدایی‌ناپذیری با علم، هنر، دین و جامعه در ارتباط است (لطیفی و مهدوی نژاد، ۱۴۰۰: ۳۲). فرهنگ به شیوه‌های مختلف تعریف شده است: برخی آن را به‌عنوان روش زندگی یک قوم می‌شناسند، درحالی‌که دیگران آن را شامل تمامی دستاوردهای مادی و غیرمادی یک جامعه در طول تاریخ اجتماعی‌اش می‌دانند، یا به‌طور خاص به دستاوردهای غیرمادی توجه می‌کنند. همچنین، فرهنگ به‌عنوان جامع‌ترین نظام معنایی یک جامعه توصیف شده است (شرف‌الدین، ۱۴۰۰). از نظر راپاپورت^۱، فرهنگ به‌عنوان عامل مؤثر بر رفتار انسان نقش مهمی دارد و در هر سه حالت ارتباط محیط - رفتار، نقش اساسی ایفا می‌کند (Rappaport, 2012). اولسون فرهنگ را به چهار جزء اصلی تقسیم کرده است: باورها، ارزش‌ها، هنجارها، و فناوری‌ها. باورها (چلبی، ۱۳۸۶: ۵۷). از دیدگاه مجید شمس فرهنگ به مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری اکتسابی اطلاق می‌شود که از یک نسل به نسل بعدی یا از یک گروه به گروه دیگر منتقل می‌شود و بر مبنای واقعیت‌های ذهنی و اجتماعی شکل می‌گیرد (شمس، ۱۳۸۸: ۸۳). ادوارد تایلر، دانشمند انگلیسی در حوزه علوم اجتماعی، تعریفی جامع و روشن از فرهنگ ارائه می‌دهد. در کتاب مشهور خود با عنوان "فرهنگ ابتدایی"، او فرهنگ را به عنوان مجموعه‌ای پیچیده از دانش‌ها، باورها، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنت‌ها و در نهایت تمامی

عادات، رفتارها و ضوابطی که فرد به عنوان عضوی از جامعه از محیط خود می‌آموزد، تعریف می‌کند. همچنین، او فرهنگ را شامل تعهدها و وظایف فرد نسبت به جامعه می‌داند (ضیا و زارع، ۱۳۹۹: ۶۸). در ارتباط با فرهنگ و معماری بوردیو^۲ بر این باور است که هنرمندان آثار خود را برای مخاطبانی آگاه خلق می‌کنند تا جایگاهشان را در میدان فرهنگی و هنری تثبیت یا ارتقا دهند. باین حال، کنترل کامل بر مخاطب امکان‌پذیر نیست، به‌ویژه زمانی که اثر در معرض دید عموم قرار می‌گیرد. معماری، به‌عنوان هنری عمومی، نه تنها از جامعه تأثیر می‌پذیرد بلکه بر آن اثر می‌گذارد (وبستر، ۱۳۹۶). از نظر آدام شارر^۳ معماری بخشی از فرهنگ است که توسعه زندگی انسانی را در طول زمان منعکس می‌کند و انواع مختلف زندگی را به نمایش می‌گذارد (Sharr, 2012) و همچنین از نظر دراسمیت^۴ کل فرآیند سکونت و کارهای معماری از زمان به زمان همیشه شامل محیط اطراف به‌عنوان بخشی از ساختمان می‌شود. محیط اطراف به‌عنوان محفظه ساختمان، معنایی دارد و همچنین رابطه بین انسان‌ها و ساختمان‌ها با محیط طبیعی‌شان که به یک وحدت کیهانی تبدیل می‌شود (Dirsmith, 2015). در شکل (۲) رابطه فرهنگ و معماری بصورت دیاگرام نشان داده شده است.



شکل ۲: دیاگرام ارتباط فرهنگ و معماری _ (مأخذ: برگرفته از ضیا و زارع، ۱۳۹۹ _ وبستر، ۱۳۹۶ _ چلبی، ۱۳۸۶ _

(Sharr, 2012_Dirsmith, 2015 _Rappaport, 2012

ریشه های ورود فرهنگ غرب در ایران

در اوایل سده نوزدهم، ایران که تحت سلطه حکومت قاجاریان بود، با بحران‌ها و مشکلات متعددی مواجه شد آشنایی با تمدن اروپایی و پیامدهای انقلاب فرانسه نخستین جرقه‌های تجددخواهی را در کشور ایجاد کرد و توجه به «دیگری» موجب شد ایرانیان به وضعیت نابسامان داخلی خود آگاه‌تر شوند. تجربه‌هایی که از طریق تحصیل‌کردگان، مسافران اروپایی، روحانیون، روشنفکران و سیاستمداران به دست آمد، زمینه‌ساز جنبش مشروطه و تمایل به قانون‌گرایی، عدالت و آزادی گردید. در این دوران، جامعه ایران به تدریج پذیرای اصول دموکراسی و عناصر تمدن غربی شد و این تغییرات تأثیرات قابل توجهی بر حوزه‌های مختلف از جمله فرهنگ، هنر و ادبیات گذاشت در چنین فضایی، گفتمان دموکراسی و سبک زندگی مدرن مبتنی بر ارزش‌های تمدن غربی نه تنها مورد پذیرش قرار گرفت، بلکه با استقبال چشمگیری

همراه شد (کواشی، خاتمی و طهماسبی، ۱۴۰۲: ۷۹-۸۰). در دوره قاجار، ایران تحت تأثیر تحولات جهانی و شکست‌های نظامی، به‌ویژه در جنگ با روسیه، ناچار به تعامل بیشتر با غرب شد. این تعاملات با هدف بهره‌گیری از تمدن غربی، به اصلاحاتی مانند سازماندهی ارتش، اعزام دانشجویان، تأسیس دارالفنون، جذب متخصصان اروپایی، و انتشار روزنامه و کتاب انجامید. همچنین، سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا زمینه‌های آشنایی با غرب فراهم کرد (عزیزی، ۱۴۰۱: ۹۵).

فرهنگ غرب در دوره پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۴)

رضاشاه رضاشاه به‌عنوان نیروی پیش‌برنده دولت مدرن ایران، در دوره‌ای به قدرت رسید که کشور در مرحله گذار از یک جامعه سنتی به جامعه‌ای مدرن قرار داشت. در شرایطی که نظام سیاسی و اجتماعی ایران با بی‌ثباتی مواجه بود، او مجموعه‌ای از طرح‌های گسترده نوسازی را در ابعاد مختلف اجرا کرد و عملاً فرایند دولت-ملت‌سازی مدرن ایرانی را آغاز نمود. در میان عناصر وارد شده از غرب، رضاشاه به دو موضوع خاص توجه ویژه‌ای نشان داد: نخست، پیاده‌سازی نوعی تجدد سطحی در زندگی روزمره، و دوم، احیای میراث باستانی. این توجه به گذشته باستانی در ذهن او به نوعی با گرایش به غرب پیوند خورده بود (داوری اردکانی، ۱۴۰۰: ۱۱۰). بر همین اساس، حکومت پهلوی بخش‌هایی از علوم و فناوری غربی را وارد کشور کرد و تلاش نمود سبک زندگی اروپایی را به‌عنوان الگویی جدید جایگزین سازد. این سیاست‌ها باعث رشد تدریجی طبقه متوسط و تبدیل معماری به یک حرفه تخصصی شد. در این فرآیند، تغییرات چشمگیری در سیمای شهری ایران به سمت غربی‌شدن پدیدار شد. بدین ترتیب، مدرنیسم با حمایت ساختار قدرت نفوذ و تأثیر بیشتری یافت (خرسند و سبک‌رو، ۱۴۰۲: ۸۷). در دوره پهلوی دوم، ایران با پدیده تهاجم فرهنگی مواجه بود که سبک زندگی عمومی مردم در تقابل با فرهنگ غربی قرار داشت. سیاست‌های کلان فرهنگی شامل گسترش تعاملات فرهنگی با دیگر کشورها و ایجاد مراکز فرهنگی برای ترویج فرهنگ غرب بود. در این دوره، مهم‌ترین هدف فرهنگی، بازگشت به فرهنگ پیش از اسلام بود که از دیدگاه پهلوی دوم به‌عنوان الگویی ایده‌آل برای فرهنگ کشور در نظر گرفته می‌شد. از جمله مهم‌ترین اقدامات این دوره می‌توان به برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی اشاره کرد (راهی، شیخ طاهری، ۱۴۰۱: ۱۴۱-۱۵۰). در این دوره، تأثیر فرهنگ غرب به‌ویژه در معماری ایران بسیار مشهود بود. معماری شهری و خانه‌ها تحت تأثیر سبک‌های غربی تغییراتی عمده را تجربه کرد. این تغییرات به‌ویژه در ساختمان‌ها و فضاهای مسکونی قابل مشاهده بود، به طوری که بسیاری از ویژگی‌های خاص معماری سنتی ایران، همچون فضاهای محرم و طراحی‌های داخلی ایرانی، به تدریج تحت تأثیر فرم‌های غربی قرار گرفت. از طرف دیگر، رشد طبقه جدید و مرفه که تحت تأثیر اندیشه‌های مدرن و سکولار قرار داشتند، موجب تغییرات گسترده‌ای در سبک زندگی و معماری شد. این روند نه تنها در شهرهای بزرگ، بلکه در سایر بخش‌های کشور نیز مشاهده شد و تأثیرات عمیقی بر هویت معماری ایرانی گذاشت (آبراهامیان، ۱۳۹۹: ۵۲۷-۵۳۱). این تحولات در زمینه معماری، به‌ویژه در قالب مدرنیسم، تحت تأثیر مستقیم اختراعات و پیشرفت‌های قرن بیستم در دنیا بود. تغییرات عمده‌ای در نظام‌های مختلف کشور و به‌ویژه در معماری به وقوع پیوست که در آن، معماری مدرن با الهام از سبک‌های غربی وارد ایران شد (بازایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۸). در شکل (۳) برخی از تحولات اجتماعی و فرهنگی دوره پهلوی بیان شده است.

تحولات اجتماعی و فرهنگی دوره پهلوی		
توسعه اجتماعی و فرهنگی	توسعه اقتصادی	تغییرات در نظام آموزشی
- تشکیل سپاه دانش به منظور ریشه‌کنی بی‌سوادی و گسترش تحصیل در روستاها و همچنین تشکیل کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی به منظور بسیج تمامی نیروهای مالی و معنوی برای ریشه‌کنی بی‌سوادی - افزایش مراکز تحصیلات عالی نیز بستری مناسب برای رشد طبقه متوسط جدید فراهم کرد. - از آغاز دهه ۱۳۴۰ تحولات اساسی در تعداد و کیفیت مراکز آموزش عالی رخ داد و نظام آموزشی فرانسه به تدریج جای خود را به نظام آمریکایی داد.	توسعه اجتماعی و اقتصادی بیشتر به واسطه درآمدهای روزافزون نفت عملی شد. برنامه‌های عمرانی شامل سیستم حمل و نقل و بخش کشاورزی، به ویژه اصلاحات ارضی و طرح‌های بزرگ آبرسانی بودند. برنامه‌های عمرانی بعدی نیز به صنعت، معدن و منابع انسانی اختصاص یافت. پیامد این انقلاب صنعتی، افزایش تولید برخی مواد و کالاهای مهم بود	- اصلاحات متعددی در زمینه آموزش و پرورش، فرهنگ و زندگی ۱۹۲۰-۱۹۳۰ - تصویب قانون در خصوص آموزش عمومی و اجباری رایگان در دوره ابتدایی و دبیرستان و همچنین آموزش عالی - تأسیس شبکه آموزش غیرمذهبی دولتی و مؤسسات آموزشی و دانشکده‌های علوم تربیتی - تصویب قانون تأسیس دانشسرای عالی به منظور تربیت دبیر و آموزگار - تأسیس نهادهای برای ترویج و تبلیغ گرایش‌های ناسیونالیستی در سال دوم نخست‌وزیری فروغی در سال ۱۳۱۳، به دستور رضاشاه

شکل ۳: تحولات اجتماعی و فرهنگی دوره پهلوی _ (مأخذ: برگرفته از آبراهامیان، ۱۳۹۹_ راهی و شیخ طاهری، ۱۴۰۱)

گفتمان روشنفکران در ارتباط با فرهنگ غرب دوره پهلوی

از همان سال‌های ابتدایی حکومت محمدرضا شاه، نقد سیطره فرهنگی و تمدنی غرب بر جامعه ایران آغاز شد و با تشدید سیاست‌های مدرنیزاسیون اقتدارگرایانه به اوج رسید. در این میان، فخرالدین شادمان را می‌توان از نخستین روشنفکرانی دانست که در سال ۱۳۲۶ با انتشار کتاب *تسخیر تمدن فرنگی* به بررسی وضعیت فرهنگی ایران و نفوذ سبک زندگی غربی پرداخت. او هشدار داد که بزرگ‌ترین شکست ایرانیان، سلطه تمدن غربی بر جامعه‌شان خواهد بود. شادمان در این اثر چگونگی نفوذ فرهنگ غرب و تأثیرات آن بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی ایران را تحلیل کرده و نسبت به خطر نابودی هویت فرهنگی ایرانیان ابراز نگرانی نمود. این انتقادات بخشی از یک جریان فکری گسترده‌تر بود که به پیامدهای مدرنیزاسیون و تغییرات فرهنگی تحت نفوذ غرب در دوران پهلوی پرداخته و تلاش داشت آسیب‌ها و نقاط ضعف این تحولات را آشکار سازد (شادمان، ۱۳۸۹: ۲۳). اولین جریان روشنفکری در ایران که مبانی و اهداف آن، محصول برخورد جامعه سنتی و عقب‌مانده ایران با تمدن غربی بود، نه تنها فیلسوف بود و نه نقاد. بلکه به عنوان پیام‌آور عصر مدرن، تلاش می‌کرد تا ایران را از خواب تاریخی و رکود بیدار سازد. این نسل در مواجهه با تمدن جدید، بین پذیرش کامل یا نپذیرفتن آن به صورت کامل یا گزینشی، تصمیم به پذیرش تمام و کمال تمدن غرب بدون دخل و تصرف ایرانی گرفتند. به طور کلی، می‌توان از دو گفتمان حاکم بر اندیشه ایرانیان در دوران قبل از انقلاب مشروطه و آغاز آشنایی ایرانیان با اندیشه و تمدن غربی تا انقلاب اسلامی نام برد: دوره اول «حیرت و شیفتگی» و دوره دوم «ایستادگی و بازگشت به خود» (دکاندار، رادفر و همکاران ۱۴۰۲: ۹۵۵-۹۵۳). اندیشمندانی شاخصی همچون جلال‌ال احمد، احمد فردید، داریوش شایگان، رضا داوری اردکانی، شهید مطهری، حسن تقی‌زاده، داریوش آشوری به گفتمان در زمینه غرب

پرداخته‌اند در شکل (۴) به دیدگاه صاحب‌نظران در ارتباط با فرهنگ غرب پرداخته شده است و همچنین در ادامه به دیدگاه‌های جلال آل احمد پرداخته شده است و پیشبرد مقاله با دیدگاه جلال آل احمد به دلیل نقد جامع او از نفوذ فرهنگ غرب در ایران و تأثیرات آن بر هویت ایرانی اهمیت دارد. او در کتاب «غرب‌زدگی» به خطرات از دست دادن هویت فرهنگی و تضعیف سنت‌ها در نتیجه پذیرش بی‌چون‌وچرای فرهنگ غربی پرداخته است. تحلیل او از آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی این تغییرات می‌تواند به درک عمیق‌تری از تأثیرات معماری غربی بر خانه‌های ایرانی در دوره پهلوی کمک کند. همچنین، نگرش او به اهمیت بازشناسی فرهنگ بومی و ایرانی، مسیر بررسی واکنش‌های معماری ایران به مدرنیزاسیون را روشن می‌کند.

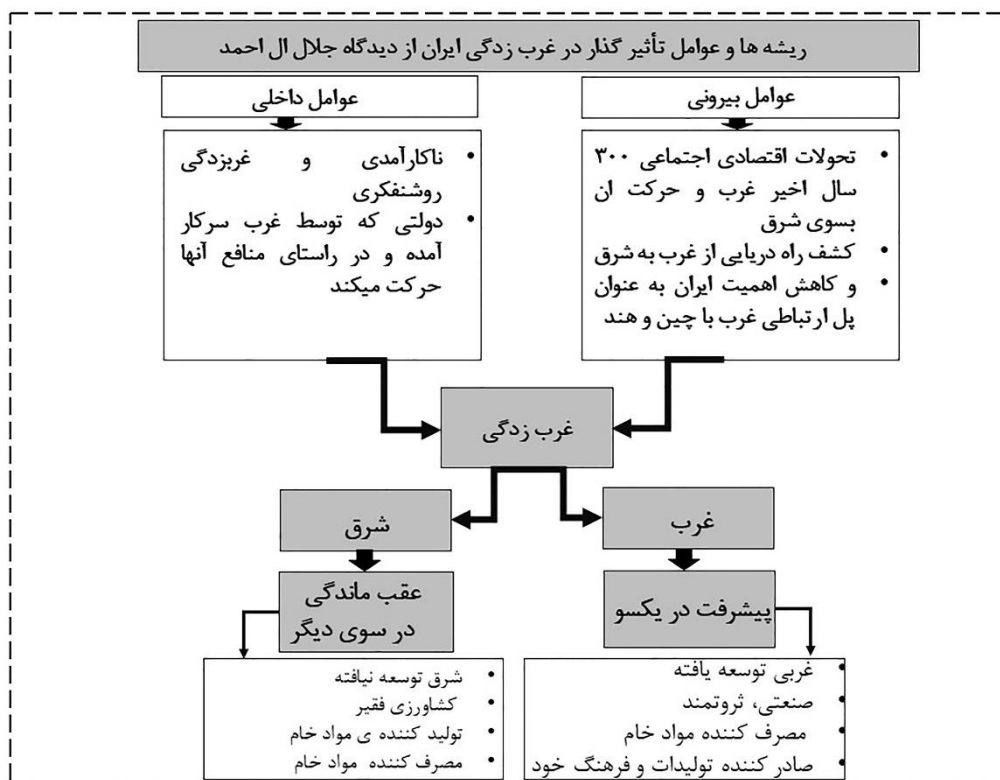


شکل ۴: فرهنگ غرب از دیدگاه صاحب‌نظران _ (مأخذ: نگارندگان)

جلال آل احمد

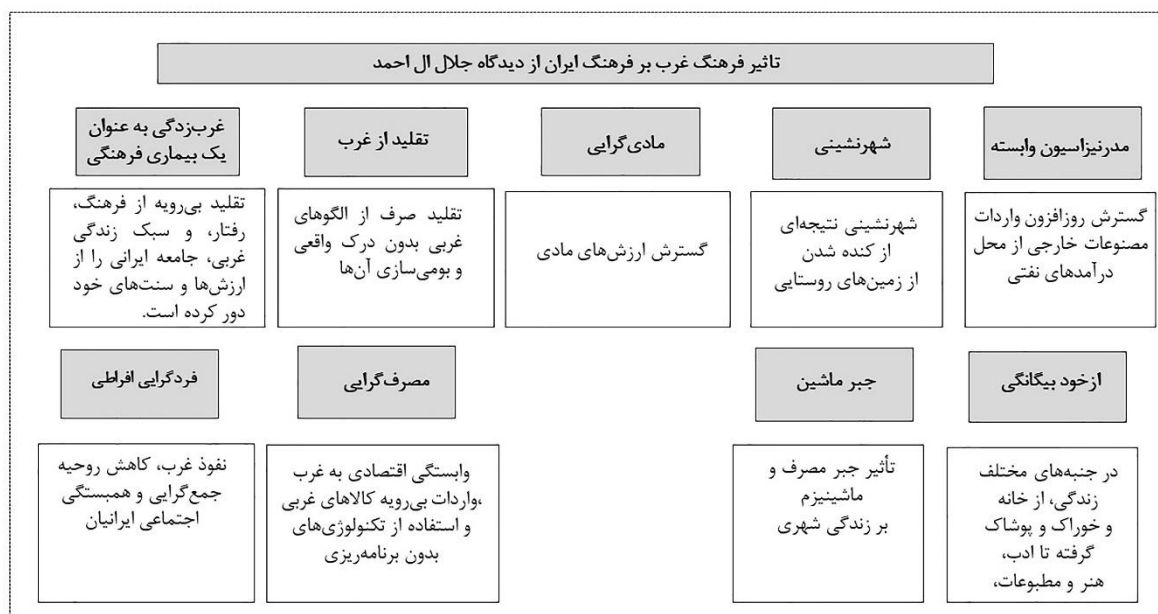
جلال آل احمد از نخستین متفکران پسااستعماری بود که به مسائل فرهنگی در تقابل میان غرب امپریالیست و شرق پرداخت (وحدت، ۱۴۰۲: ۱۷۴). در دوران پهلوی، گفتمان غرب‌گرای حاکم بر پایه ملیت، توسعه، قدرت نظامی و تجدد، با تأکید بر سلطنت شکل گرفته بود. این گفتمان با ساختن اسطوره «تمدن بزرگ» در پی ارائه نظریه‌ای شوونیستی بود و مفاهیمی چون استقلال، آزادی، عدالت، اسلام و سنت را نادیده می‌گرفت، مفاهیمی که در نقد غرب‌زدگی نقش محوری یافتند. آل احمد، به عنوان برجسته‌ترین منتقد غرب‌گرایی، این انتقاد را در کتاب غرب‌زدگی مطرح کرد. این کتاب در ابتدا گزارشی برای شورای «هدف فرهنگ ایران» بود که زیر نظر وزارت فرهنگ در سال ۱۳۴۰ تدوین شد (کسرائیی و اصغرپور، ۱۳۹۹: ۶۷). مفهوم «غرب‌زدگی» نخستین‌بار توسط سید احمد فردید مطرح شد و از دیدگاه او، این اصطلاح بار فلسفی عمیقی دارد. جلال آل احمد نیز در پرداختن به این موضوع تحت تأثیر فضای روشنفکری زمانه

خود، به‌ویژه اندیشه‌های فردید، قرار داشت. آل احمد غرب‌زدگی را صرفاً نتیجه روابط اقتصادی یا سیاسی نابرابر نمی‌داند، بلکه آن را شکلی از سلطه همه‌جانبه، مشابه رابطه ارباب و برده، تلقی می‌کند (آل احمد، ۱۳۹۹: ۱۱۷). از نظر آل احمد، غرب‌زدگی به معنای پذیرش فرهنگ و تمدن غربی بدون پشتوانه داخلی و گسستن از سنت‌هاست. او آن را تضادی میان سنت‌های بومی و تمدن مدرن غرب می‌داند و بر این باور است که این شکاف در نظام آموزشی نیز آشکار است؛ به‌طوری که در مدارس نشانی از فرهنگ گذشته، اخلاق، فلسفه یا ادبیات دیده نمی‌شود و پیوندی میان گذشته و آینده یا میان فرد و جامعه شکل نمی‌گیرد (آل احمد، ۱۳۷۱: ۱۷۹). دیدگاه‌های جلال آل احمد درباره غرب‌زدگی را می‌توان واکنشی به مدرنیسم و وابسته در دوران پهلوی دوم دانست. این فرایند، که متکی بر سرمایه‌داری جهانی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی بود، موجب افزایش وابستگی اقتصادی، گسترش واردات و ترویج مصرف‌گرایی شد. روشنفکران آن دوره، از جمله آل احمد، به نقد این روند پرداختند و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن را بررسی کردند (نژاد ایران، قاضی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۱). آل احمد معتقد بود که مدرنیسم سطحی دوران پهلوی، جامعه را به سمت مصرف‌گرایی و ازخودبیگانگی سوق داده است. او هشدار می‌داد که افراد فرنگی‌مآب، که تحت تأثیر فرهنگ غربی قرار گرفته‌اند، می‌توانند موجب تغییرات زیان‌باری در ساختار فرهنگی و اجتماعی شوند (آل احمد، ۱۴۰۰: ۶۷). از دیدگاه او، غرب‌زدگی نتیجه پذیرش بی‌پشتوانه فرهنگ و فناوری غربی است که بدون ارتباط با سنت‌ها وارد جامعه شده و زندگی ایرانیان را دچار دگرگونی‌های عمیق کرده است. آل احمد همچنین بر تأثیرات جبر مصرف و ماشینیزم بر زندگی شهری تأکید داشت و مهاجرت از روستا به شهر را یکی از نخستین نشانه‌های تضاد ناشی از غرب‌زدگی می‌دانست. او معتقد بود که این فرایند باعث از بین رفتن پیوندهای سنتی و هویتی جامعه شده است (آل احمد، ۱۴۰۰: ۲۸-۷۹). در مجموع، او غرب‌زدگی را تعارض میان سنت‌های بومی و ارزش‌های مدرن غربی می‌دانست که به بی‌ریشگی و ازخودبیگانگی فرهنگی منجر شده است (نظافت و توحیدفام، ۱۴۰۰: ۲۰۹). در شکل (۵) ریشه‌های غرب‌زدگی ایران از دیدگاه جلال‌ال احمد بیان شده است.



شکل ۵: ریشه ها و عوامل تأثیر گذار در غرب زدگی ایران از دیدگاه جلال ال احمد_ (مأخذ: برگرفته از خلیلی، ۱۳۸۳)

همچنین در شکل (۶) مؤلفه های تأثیر فرهنگ غرب بر فرهنگ ایران از دیدگاه جلال ال احمد بیان شده است که شامل مواردی چون مدرنیزاسیون وابسته شهرنشینی ماد گرایی تقلید بی پایه اساس از فرهنگ و تکنولوژی غربی و.. می باشد.

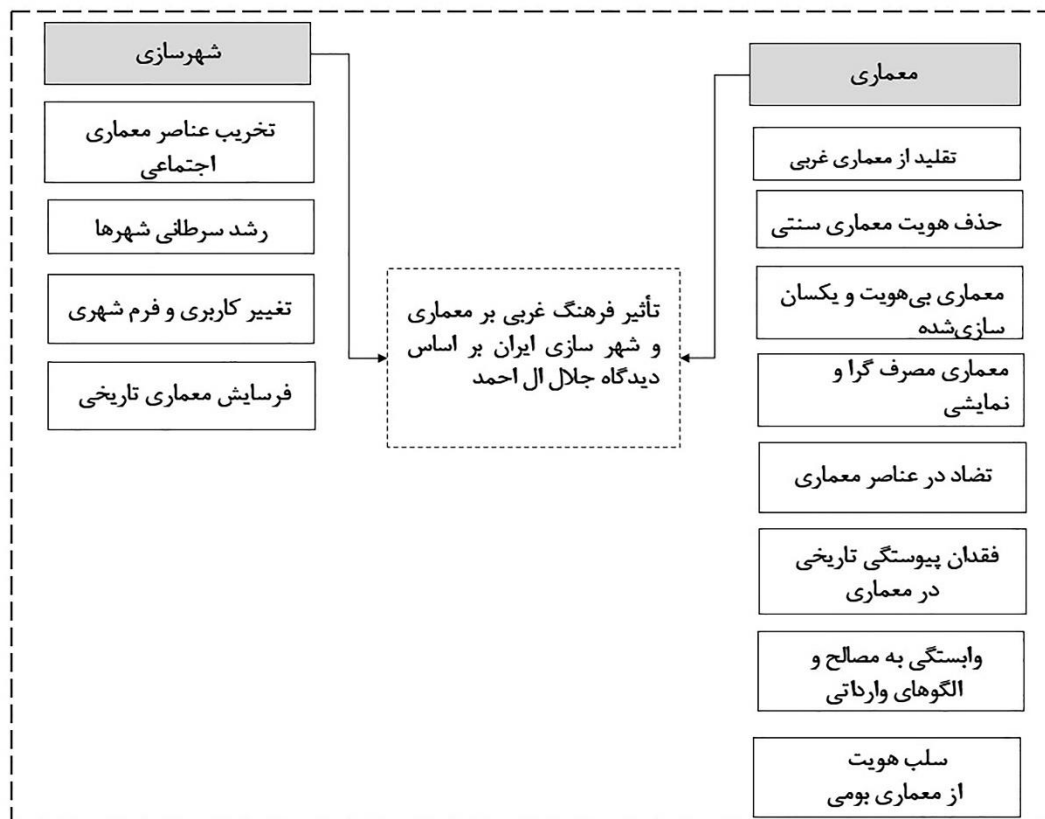


شکل ۶: تأثیر فرهنگ غرب بر فرهنگ ایران از دیدگاه جلال ال احمد_ (مأخذ: برگرفته از آل احمد، ۱۴۰۰_ نظافت و توحیدفام، ۱۴۰۰_ نژاد ایران، قاضی و همکاران، ۱۴۰۱)

معماری غربی ایران از دیدگاه جلال‌ال احمد

معماری ایران در دوره قاجار تحت تأثیر الگوهای غربی قرار گرفت و موجب تلفیق عناصر ایرانی و اروپایی شد (چالشگر خاکپور و اصغر زاده، ۱۴۰۲: ۳۵). اگرچه این دوره سنتی‌تر از پهلوی بود، اما تغییرات فکری آن زمینه‌ساز تحولات معماری در دوران پهلوی شد (عسگری، فدایی مهربانی و فتحی، ۱۴۰۱: ۴۲). تأثیرپذیری معماری از اروپا، که از قاجار آغاز شده بود، در پهلوی به اوج رسید (میرزاحسینی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۱۵). با آغاز حکومت پهلوی اول و بازگشت دانشجویان تحصیل کرده در غرب، معماری دستخوش تغییرات اساسی شد. در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی، پیوند معماری ایران و غرب گسترش یافت (پوراعتصامی، ۱۳۹۹: ۵۵). این تغییرات، که ریشه در نهضت مشروطیت داشت، به رویکردی منجر شد که الگوگیری از غرب را راهی برای پیشرفت می‌دانست. در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، معماری ایران تحت تأثیر سبک بین‌الملل و اندیشه‌های معمارانی همچون لوکوربوزیه، فرانک لوید رایت و آلوار آلتو، به سمت معماری شبه‌مدرنیستی با ترکیب اصول مدرن و بومی حرکت کرد (بانی مسعود، ۱۴۰۰: ۲۴۳). ورود معماران خارجی و بازگشت تحصیل‌کردگان ایرانی، روند گسترش معماری مدرن را شتاب بخشید (حق‌جو، سلطان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۸) و در این دوره جلال‌ال احمد جز روشنفکرانی بود که در آثار خود علاوه بر پرداختن به مسائل اجتماعی و فرهنگی به معماری اشاره می‌کرد. از نظر جلال‌ال احمد تنها در دوران هخامنشیان و صفویان هماهنگی و تداوم در معماری و فرهنگ ایران دیده می‌شد زیرا در این دوره‌ها نسل‌ها برای تکمیل بنیان تمدنی تلاش کردند. در مقابل، در سایر دوره‌های تاریخی، هر حاکم سبک معماری خاص خود را شکل داده و استمرار تمدنی از بین رفته است. او معتقد بود که شهرها باید تمدن را حفظ کرده و به نسل‌های آینده منتقل کنند، اما تحولات اجتماعی و فرهنگی، به‌ویژه مدرنیزاسیون و تغییر سبک زندگی، این پیوستگی را مختل کرده است (فتحی راسخ، ۱۳۸۶: ۱۵۶). آل‌احمد تمدن ایران را به "ماری که تنها پوست خود را باقی می‌گذارد" تشبیه می‌کرد و باور داشت که آنچه امروز از تمدن ایرانی باقی مانده، تنها یک پوسته ظاهری از شهرها، آداب و رسوم، مذهب و اقتصاد است. او مهاجرت گسترده به شهرها را نتیجه مستقیم نفوذ مدرنیته می‌دانست، زیرا این تغییر باعث گسست مردم از ریشه‌های بومی و آبا و اجدادی آن‌ها شده و نخستین نمود تضاد فرهنگی ناشی از غرب‌زدگی بوده است (آل‌احمد، ۱۴۰۰: ۴۲-۴۵، ۹۵-۹۳). او گسترش بی‌رویه و بی‌برنامه شهرها را همچون غده‌ای سرطانی می‌دید که بدون ایجاد زیرساخت‌های لازم، چهره شهرها را زشت و هویت آن‌ها را مخدوش کرده است. این رشد ناموزون، نتیجه نفوذ اقتصادی و فرهنگی غرب بود که وابستگی اقتصادی، نابودی صنایع بومی و کشاورزی، تخریب بازارهای داخلی، مصرف‌گرایی و حاشیه‌نشینی را در پی داشت (فتحی راسخ، ۱۳۸۶: ۱۶۳؛ آل‌احمد، ۱۴۰۰: ۱۶۱). به نظر او، معماری نخستین حوزه‌ای است که نفوذ فرهنگ بیگانه در آن نمایان می‌شود. تقلید از معماری غربی، تخریب بافت‌های سنتی و خیابان‌کشی‌های گسترده، موجب یکسان‌سازی معماری و از بین رفتن هویت فرهنگی شده است. آل‌احمد هشدار می‌داد که این تغییرات، از سبک زندگی تا طرز تفکر مردم را به سوی تقلید و یکنواختی سوق داده و تهدیدی برای هویت فرهنگی و اجتماعی ایران محسوب می‌شود (فتحی راسخ، ۱۳۸۶: ۱۶۵؛ آل‌احمد، ۱۴۰۰: ۱۶۴-۱۶۳). او معتقد بود که معماران امروزی هویت خود را از دست داده‌اند و به جای خلق آثار بومی، به مصرف‌کنندگان بی‌هدف مصالح و فناوری‌های وارداتی تبدیل شده‌اند. در حالی که معماران ایرانی در گذشته با مصالح ساده و محلی همچون آجر، کاشی، چوب و سنگ، بناهایی ماندگار خلق می‌کردند، معماری امروز تحت تأثیر سازوکارهای مدرن و وابستگی به الگوهای خارجی قرار گرفته است. به اعتقاد او، معمار ایرانی بیشتر به امضاکنده طرح‌های شرکت‌های خارجی تبدیل شده و خلاقیت او کم‌رنگ شده است (فتحی راسخ، ۱۳۸۶-۱۳۸۸: ۹۲). آل‌احمد همچنین

خیابان‌کشی‌های مدرن و تخریب بافت‌های قدیمی شهرها را "سلاخی سیستماتیک" می‌نامید، زیرا این فرایند به‌جای حفظ میراث فرهنگی، آن را نابود می‌کند (آل‌احمد، ۱۳۷۲: ۲۲). او انتقاد شدیدی به معماران مدرن‌گرا داشت که گذشته را نادیده می‌گیرند و فضاهای تاریخی را باقی‌مانده‌هایی می‌دانند که باید با ساختمان‌های جدید جایگزین شوند. در حالی که به باور او، این فضاهای تاریخی، گنجینه‌هایی ارزشمند برای ارتباط با آینده هستند (برولین، ۱۳۷۰: ۳۵). در شکل (۷) مؤلفه‌های معماری غربی از دیدگاه جلال‌الاحمد بر اساس متن بالا استخراج شده است که در دو حوزه معماری و شهرسازی دسته‌بندی شده است.



شکل ۷: مؤلفه‌های تأثیر معماری غربی بر معماری و شهرسازی ایران _ (مأخذ: برگرفته از فتحی راسخ، ۱۳۸۶_ آل‌احمد، ۱۴۰۰)

یافته‌ها

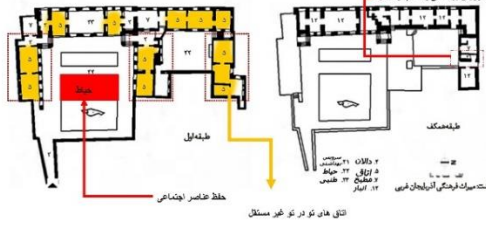
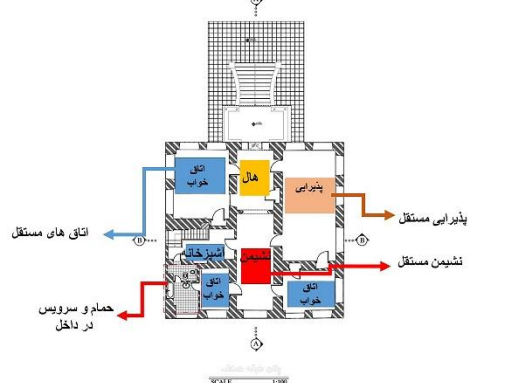
با آغاز دوره پهلوی و گسترش سیاست‌های نوسازی و مدرنیزاسیون، معماری مسکونی ایران دستخوش تغییرات چشمگیری شد. این تغییرات، که متأثر از فرهنگ و سبک‌های معماری غربی بود، به تدریج الگوهای سنتی را کنار زده و فرم‌های جدیدی را وارد فضای زندگی ایرانیان کرد. جلال‌الاحمد در کتاب *غرب‌زدگی*، به این تغییرات به عنوان یکی از مصادیق سلطه فرهنگی غرب اشاره کرده و آن را نوعی از خودبیگانگی در برابر سنت‌های ملی و بومی دانسته است. در این پژوهش، تأثیر فرهنگ غرب بر معماری خانه‌های دوره پهلوی در شهر ارومیه بررسی می‌شود تا مشخص گردد که چگونه این نفوذ باعث دگرگونی فرهنگ مردم شده است. پژوهش حاضر ۲۴ خانه از خانه‌های ارومیه جهت تحلیل انتخاب گردیده است در جدول (۱) نمونه‌های موردی معرفی شده‌اند و همچنین در جدول (۲) به معرفی و تحلیل پلان‌های خانه‌ها با شماره هر یک با توجه به جدول (۱) پرداخته شده است.

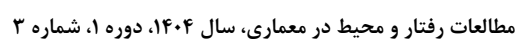
جدول ۱ نمونه های موردی _ (مأخذ: نگارندگان)

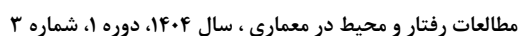
نمونه موردی				پلان
				
۴	۳	۲	۱	شماره خانه
دهه ۲۰	دهه ۲۰	خانه انصاری اواخر قاجار - پهلوی	خانه مجیدی افشار اواخر قاجار - پهلوی	قدمت
خیابان کاشانی	کوچه دژبانی خیابان امام	خیابان مدنی ۲	خیابان کاشانی	موقعیت
				پلان
۸	۷	۶	۵	شماره خانه
دهه ۲۰	دهه ۲۰	دهه ۲۰	دهه ۲۰	قدمت
خیابان امام	خیابان سرداران	خیابان سرداران	خیابان عطایی	موقعیت
				
۱۲	۱۱	۱۰	۹	شماره خانه
دهه ۳۰	دهه ۳۰	دهه ۳۰	دهه ۳۰	قدمت
خیابان دره چایی	خیابان دره چایی	خیابان دره چایی	خیابان دانش	موقعیت
				
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	شماره خانه
دهه ۵۰	دهه ۵۰	دهه ۴۰	دهه ۴۰	قدمت
خیابان دانشکده	خیابان تختی	خیابان کاشانی	کوچه دژبانی	موقعیت

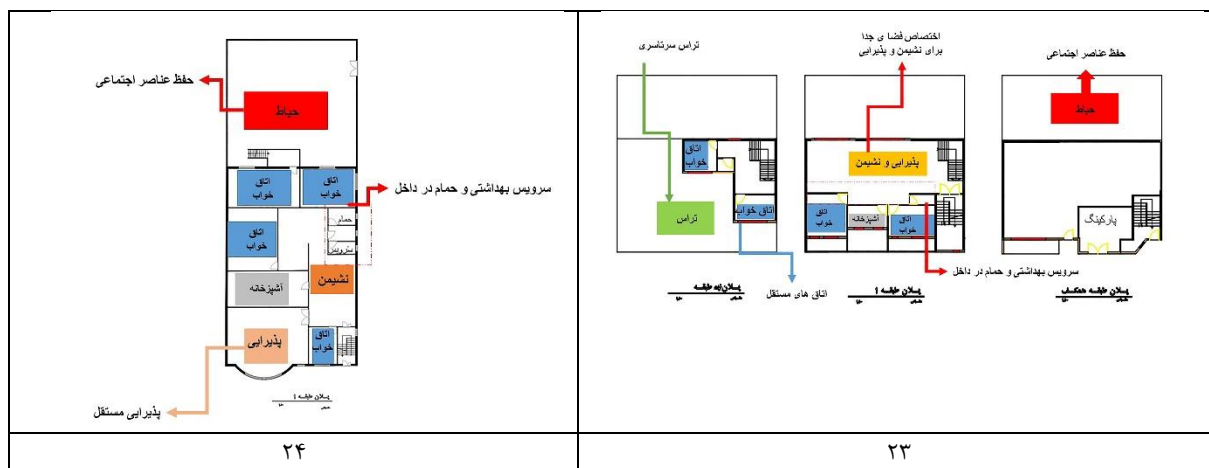
				شماره خانه
۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	
دهه ۵۰	دهه ۵۰	دهه ۵۰	دهه ۴۰	قدمت
پل قویون	خیابان عمار	خیابان دانش	خیابان پل قویون	موقعیت
				شماره خانه
۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	
دهه ۵۰	دهه ۵۰	دهه ۵۰	دهه ۵۰	قدمت
خیابان بهشتی	خیابان تختی	خیابان جانبازان	خیابان شیخ تپه	موقعیت

جدول ۲: پلان نمونه های موردی _ (مأخذ: نگارندگان)

پلان نمونه های موردی  سرویس بهداشتی و حمام در داخل طبقه اول حفظ عناصر اجتماعی اتاق های تو در تو غیر مستقل		 پنج خواب اتاق تخت خواب اتاق های مستقل تختین مستقل حمام و سرویس در داخل	
۲  حمام و سرویس در داخل پنج خواب تخت خواب اتاق های تو در تو غیر مستقل		۱  اتاق های تو در تو غیر مستقل حفظ عناصر اجتماعی حمام و سرویس بهداشتی در داخل	
۴		۳	







در جدول (۳) نمونه های موردی بر اساس مؤلفه های شکل (۷) تحلیل شده‌اند و در ادامه در جدول (۴) میزان درصد تأثیر مؤلفه ها در خانه ها مشخص گردیده است.

جدول ۳: تحلیل میزان تأثیر فرهنگ و معاری غرب بر معماری خانه های شهر ارومیه _ (مأخذ: نگارندگان)

تحلیل میزان تأثیر فرهنگ و معماری غرب بر معماری خانه های شهر ارومیه																										
مؤلفه		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	
تقلید از معماری غربی	فرم های وارداتی	*	-	-	*	*	-	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	-	*	*	*	*	*	*	*
	هویت معماری سنتی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
معماری یکسان سازی شده	مشابهت با سایر بنا ها	-	-	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
	تضاد در عناصر معماری	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
تخریب عناصر اجتماعی معماری	ترکیب ناهماهنگ سبک های مدرن و سنتی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	ناسازگاری معماری با اقلیم	-	*	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	*	-	-	-	-	-	-	-	-	-	*	
وابستگی مصالح به تکنیک	حذف حیاط از خانه	-	-	-	*	-	-	-	*	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	استفاده از مصالح و تکنیک	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	*	

																						های وارداتی	الگو های وارداتی	
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	-	-	-	-	-	-	-	-	-	*	*	توجه به ظاهر بنا نمایشی	معماری مصرف گرا و نمایشی
							*									*	*	*	*		*	*	استفاده از مصالح و عناصر معماری بومی	سلب هویت از معماری بومی

جدول ۴: درصد میزان تأثیر فرهنگ و معاری غرب بر معماری خانه های شهر ارومیه _ (مأخذ: نگارندگان)

مؤلفه	درصد
تقلید از معماری غربی	فرم های وارداتی
هویت معماری سنتی	حفظ ارزش های سنتی
معماری یکسان سازی شده	مشابهت با سایر بنا ها
تضاد در عناصر معماری	ترکیب ناهماهنگ سبک های مدرن و سنتی
	ناسازگاری معماری با اقلیم
تخریب عناصر اجتماعی معماری	حذف حیاط از خانه
وابستگی مصالح به الگو های وارداتی	استفاده از مصالح و تکنیک های وارداتی
معماری مصرف گرا و نمایشی	توجه به ظاهر بنا
سلب هویت از معماری بومی	استفاده از مصالح و عناصر معماری بومی

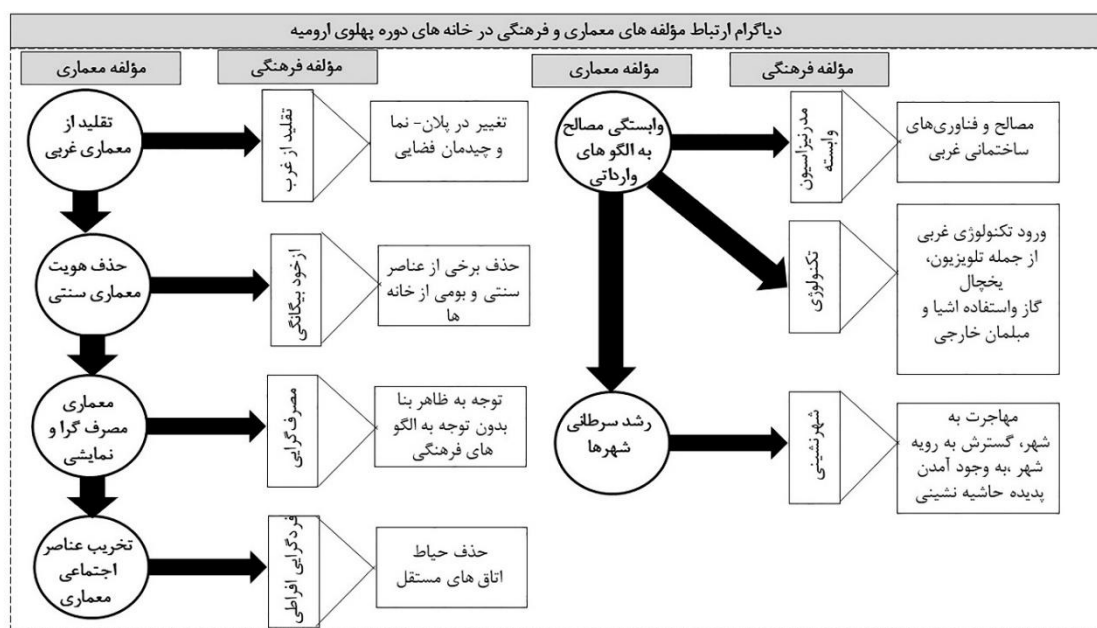
با توجه به تحلیل های انجام شده در جدول (۴) ، تقلید از معماری غربی با استفاده از فرم های وارداتی به میزان ۷۹/۱۶ درصد مشاهده می شود که نشان دهنده تأثیر گسترده سبک های غیر بومی بر طراحی ساختمان ها است. در مقابل، حفظ ارزش های سنتی که معرف هویت معماری سنتی است، تنها ۳۳/۳۳ درصد مورد توجه قرار گرفته که بیانگر کاهش اهمیت اصول معماری بومی در طراحی های جدید است. یکسان سازی معماری و شباهت با سایر بناها که با ۵۴/۱۶ درصد می باشد از سوی دیگر، تضاد در عناصر معماری که به معنی ترکیب ناهماهنگ سبک های مدرن و سنتی است، (۰ درصد) می باشد هیچ نمود قابل توجهی در معماری خانه ها ندارد ناسازگاری معماری با اقلیم نیز از دیگر مشکلات است که با ۱۶/۶۶ درصد مشاهده شده و نشان دهنده عدم توجه کافی به شرایط آب و هوایی در طراحی ساختمان ها است. تخریب عناصر اجتماعی معماری مانند حذف حیاط از خانه ها نیز با ۸/۳۳ درصد بیانگر تغییر در سبک زندگی و کاهش ارتباطات اجتماعی در فضاهای مسکونی است. در کنار این مسائل، وابستگی مصالح به الگوهای وارداتی با ۴۱/۶۶ درصد، نشان از افزایش استفاده از مصالح و تکنیک های غیر بومی دارد که موجب کاهش ماندگاری و هویت معماری ایرانی می شود. همچنین، معماری مصرف گرا و نمایشی که بیشتر به ظاهر بنا توجه دارد، با ۵۸/۳۳ درصد در طراحی های خانه ها قابل مشاهده است. در نهایت، سلب هویت از معماری بومی که با ۳۳/۳۳ درصد از طریق استفاده از مصالح و عناصر معماری بومی مورد توجه قرار گرفته، نشان می دهد که در برخی موارد هنوز از عناصر سنتی بهره گرفته می شود، اما این میزان کافی نیست و معماری مدرن همچنان در مسیر دور شدن از ریشه های فرهنگی خود قرار دارد.

نتیجه گیری

نتایج نشان می‌دهد معماری خانه‌های دوره پهلوی در ارومیه نمونه‌ای از تأثیرپذیری معماری ایرانی از فرهنگ غربی است که جلال آل احمد آن را یکی از نشانه‌های غرب‌زدگی می‌دانست. این تغییرات، که در نتیجه سیاست‌های مدرنیزاسیون و نفوذ سبک‌های غربی رخ داد، به تغییرات بنیادی در ساختار فضایی، مصالح ساختمانی، نمای ساختمان و الگوی زندگی منجر شد. در نتیجه، معماری مسکونی این دوره به تدریج از اصول بومی و اقلیمی فاصله گرفت و به سمت الگوهای بین‌المللی و استانداردهای مدرن گرایش پیدا کرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که معماری این دوره به شدت تحت تأثیر فرم‌های وارداتی قرار گرفته و تقلید از معماری غربی بر هویت معماری ایرانی سایه افکنده است. این مسئله با توجه به میزان بالای استفاده از فرم‌های وارداتی، نشان‌دهنده فاصله گرفتن از ارزش‌های سنتی در طراحی ساختمان‌هاست. هرچند حفظ برخی ارزش‌های معماری سنتی هنوز مشاهده می‌شود، اما این میزان کافی نبوده و روند کلی نشان می‌دهد که معماری بومی به تدریج هویت خود را از دست داده است. معماری یکسان‌سازی شده و شباهت بناها به یکدیگر، به نوعی یکنواختی و عدم خلاقیت در طراحی‌ها منجر شده است. این در حالی است که ترکیب ناهماهنگ سبک‌های مدرن و سنتی در این دوره چندان دیده نمی‌شود، که بیانگر رویکردی منفعلانه در برابر تغییرات معماری است. همچنین، ناسازگاری برخی بناها با اقلیم منطقه، نشان‌دهنده غفلت از شرایط محیطی در فرآیند طراحی و ساخت بوده که می‌تواند تأثیرات منفی بر آسایش ساکنان داشته باشد. یکی از نکات مهم در این دوره، تخریب عناصر اجتماعی معماری است که خود را در حذف حیاط از خانه‌ها نشان می‌دهد. این تغییر، نه تنها باعث کاهش تعاملات اجتماعی میان اعضای خانواده و همسایگان شده، بلکه هویت معماری مسکونی ایرانی را نیز تضعیف کرده است. از سوی دیگر، وابستگی به مصالح و تکنیک‌های وارداتی، بیانگر کاهش استفاده از منابع بومی و افزایش وابستگی به الگوهای غربی است که این امر می‌تواند تأثیرات مخربی بر پایداری معماری ایرانی داشته باشد. همچنین، معماری مصرف‌گرا و نمایشی، با تمرکز بر ظاهر بناها به جای عملکرد و پایداری، از دیگر ویژگی‌های این دوره است که نتیجه آن افزایش بی‌توجهی به اصول معماری پایدار و سنتی بوده است. در عین حال، هرچند همچنان برخی مصالح و عناصر معماری بومی در طراحی‌ها مورد استفاده قرار گرفته، اما میزان آن نشان می‌دهد که فرآیند سلب هویت از معماری ایرانی همچنان ادامه داشته است در شکل (۸) به تأثیر فرهنگ غرب بر معماری خانه های ارومیه بر اساس تحلیل های انجام شده پرداخته شده است و در شکل (۹) به ارتباط میان مؤلفه های فرهنگ و معماری غربی که از بخش مبانی نظری از دیدگاه های جلال ال احمد استخراج شده پرداخته شده است. همچنین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده به ارزیابی تأثیر مدرنیزاسیون دوره پهلوی بر شکل‌گیری شهرهای جدید و الگوهای سکونتی پرداخته شود.

تأثیر فرهنگ غرب بر معماری خانه های ارومیه			
سلب هویت از معماری بومی و اقلیمی	معماری بی هویت و یکسان سازی شده	حذف هویت معماری سنتی	تقلید از معماری غربی
- در برخی از خلفه های این دوره، عنصر سنتی مغفد استفاده از آجرکاری، طراحی ایوان، و حفظ برخی از حریم های داخلی مشاهده می شود، اما در مقیاس کلی، این مؤلفه تحت تأثیر مدرنیسم کاهش یافته است. - عدم توج به شرایط اقلیمی منطقه، افزایش سطوح شیشه ای، و استفاده از مصالحی که با شرایط آب و هوایی منطقه سازگار نبودند.	معماری پهلوی به سمت استاندارد سازی و یکسان سازی حرکت کرده است. بسیاری از خانه های این دوره بدون در نظر گرفتن تنوع اقلیمی و فرهنگی، بر اساس الگوهای یکسان طراحی شده اند که نشان دهنده از گرایش به معماری مدرن بین المللی است.	در برخی از خانه های این دوره، عناصر سنتی مانند استفاده از آجرکاری، طراحی ایوان، و حفظ برخی از حریم های داخلی مشاهده می شود، اما در مقیاس کلی، این مؤلفه تحت تأثیر مدرنیسم کاهش یافته است.	- پلان خطی - ساختمان چند طبقه - اختصاص اتاق ها به کاربری های مختلف مانند (اتاق والدین، اتاق خواب کودکان و ورود تلویزیون و اختصاص فضای مستقل آشپزخانه در داخل خفه - حمام و سرویس بهداشتی در داخل خفه - استفاده از نملهای مدرن با تأکید بر شفافیت و سادگی
معماری مصرف گرا و نمایشی	وابستگی مصالح به الگو های وارداتی	تخریب عناصر اجتماعی معماری	تضاد در عناصر معماری
در دوره پهلوی، توجه به نمای ظاهری بنا افزایش یافته است. ساختمان های این دوره اغلب با استفاده از مصالح جدید و طراحی های نمایشی ساخته شده اند که در برخی موارد بیشتر به نمایش تجمل و مدرنیته گرایش داشتند تا به هماهنگی با فرهنگ منطقه.	- در ساخت خانه ها به میزان قابل توجهی از مصالح و فناوری های ساختمانی غربی استفاده شده است. - بتن مسلح، اسکلت فلزی، و شیشه های بزرگ از جمله تغییرات اساسی در این دوره بودند که باعث شد خانه ها از فرم های سنتی فاصله بگیرند.	حذف حیاط مرکزی، به عنوان یکی از مهم ترین عناصر اجتماعی معماری ایرانی، در این دوره به میزان محدودی رخ داده است. این نشان می دهد که هنوز در برخی از خانه ها، نیاز به تعامل اجتماعی و ایجاد فضای نیمه خصوصی مانند حیاط و ایوان حفظ شده است.	عدم تضاد در ترکیب سبک های مدرن و سنتی نشان می دهد که در این دوره، معماری به صورت کاملاً خطی از سنت به مدرنیته تغییر کرده و کمتر به تلفیق این دو سبک توجه شده است. در واقع، به جای ایجاد ترکیبی متسلسل میان معماری مدرن و سنتی، معماری این دوره بیشتر به سمت یکجانبه گرایی در پذیرش سبک های غربی حرکت کرده است.

شکل ۸: تأثیر فرهنگ غرب بر معماری خانه های دوره پهلوی ارومیه _ (مأخذ: نگارندگان)



شکل ۹: دیگرام ارتباط مؤلفه های معماری و فرهنگی خانه های دوره پهلوی ارومیه _ (مأخذ: نگارندگان)

مشارکت نویسندگان

این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری سحر کریم زاده دانشجوی دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین الملل ارس، تبریز. به راهنمایی دکتر محمدرضا پاکدل فرد و دکتر بابک مطیعی و مشاوره دکتر رسول درسخوان است. پژوهشگر و اساتید در تمام مراحل پژوهش مشارکت داشتند.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

پی‌نوشت‌ها

- 1.Amos Rapoport
- 2.Pierre Bourdieu
3. Adam Scharr
- 4.Ron Dirsmit

منابع

- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۹۹). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی. محمد ابراهیم فتاحی. تهران: انتشارات نی.
- بازایی، محمد، قاسمی سیچانی، مریم، شجاعی، علیرضا و مداحی، سید مهدی. (۱۴۰۰). بررسی تغییرات سبک زندگی و تأثیرات آن بر کالبد معماری و پیکره بندی فضایی خانه های بومی (مطالعه موردی: خانه های بومی دوره قاجار و پهلوی شیراز). *فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)*، ۱۱ (۴۲)، ۷۱-۴۵.
- بانی مسعود. (۱۴۰۰). *معماری معاصر ایران از سال ۱۳۰۴ تا کنون*. تهران: نشر کتابکده کسری.
- برولین، برنت و فرزانیار، حمیدرضا. (۱۳۷۰). شکست معماری مدرن. صفه، ۱ (۱)، ۳۵-۳۰.
- پوراعتصامی، زهره. (۱۳۹۹). مقدمه‌ای بر تحلیل تأثیر نفوذ فرهنگی غرب بر معماری مسکونی معاصر ایران در دوران قاجار و پهلوی. *پژوهش در هنر و علوم انسانی*، ۵ (۲۶)، ۶۲-۵۱.
- تقوی، سید محمدعلی، بائی، فاطمه. (۱۴۰۲). زمان و تطور اندیشگی؛ بازخوانی نحوه مواجهه رضا داوری اردکانی با غرب. *جامعه شناسی سیاسی/انقلاب/اسلامی*، ۱ (۴)، ۱۹۱-۲۱۶.
- تقی زاده، سیدحسن. (۱۳۳۹)، «دو خطابه»، خطابه اول، مجله یغما، سال ۱۳، شماره ۹ و ۱۰.
- جلال ال احمد. (۱۴۰۰). *غرب زدگی*. تهران: انتشارات رواق.
- جلال ال احمد. (۱۳۹۹). *کارنامه سه ساله*. تهران: انتشارات شانایا.
- جلال ال احمد. (۱۳۷۱). *نفرین زمین*. تهران: انتشارات رواق.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۶). *جامعه شناسی نظم*. تهران: نشر نی.
- چالشگر، پگاه، خاکپور، مژگان و اصغرزاده، علی. (۱۴۰۲). نگرش تحلیلی بر آرایه‌های معماری خانه‌های قاجار موردشناسی: خانه قاجاری فیض مهدوی شهر کرمانشاه هنر و تمدن شرق، ۱۱ (۴۰)، ۵۴-۳۵.
- حق جو، امیر، سلطان زاده، حسین، تهرانی، فرهاد و آیوازیان، سیمون. (۱۳۹۸). گرایش ها و رویکردهای نظری معماری بناهای دولتی و حکومتی دوره پهلوی اول و دوم. *مطالعات هنر/اسلامی*، ۱۵ (۳۴)، ۱۷۰-۱۵۴.
- خرسند، مرتضی و سبک رو، دلارام. (۱۴۰۲). سطوح اثربخشی ساختار قدرت بر معماری دوره پهلوی اول. *باغ نظر*، ۲۰ (۱۲۴)، ۹۲-۸۳.

- حیدری، حسین، الستی و احمد بلخاری قهی، حسن. (۱۴۰۲). تحلیل بوردیویی ارتباط فرهنگ با فضاهای شهری و معماری در سینمای اصغر فرهادی (مورد مطالعه: فیلم قهرمان). *جامعه شناسی فرهنگ و هنر*، ۵(۴)، ۱۷-۳۰.
- خلیلی، رضا. (۱۳۸۳). غرب زدگی و هویت؛ جلال آل احمد و پاسخ به پرسش عقب ماندگی. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۵(۲۰)، ۵۵-۸۵.
- دکاندار، محمد، رادفر، مجید و ملک پور، علی. (۱۴۰۱). تاثیر آراء احمد فردید بر گفتمان غرب زدگی و بازگشت به خویشتن. *ماهنامه جامعه شناسی سیاسی/ایران*، ۵(۱۰)، ۹۶۳-۹۵۰.
- داوری، رضا. (۱۴۰۱). درباره غرب. تهران: انتشارات هرمس.
- راهی، حمید رضا، شیخ طاهری، محمد رضا. (۱۴۰۱). نگاهی به رابطه فرهنگ و جامعه در دوره پهلوی دوم. *مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر/ایران*، ۱(۴)، ۱۸۷-۱۴۸.
- شادمان، سید فخرالدین. (۱۳۸۹). تسخیر تمدن فرنگی. تهران: انتشارات قلم نو.
- شایگان، داریوش. (۱۴۰۱). *آسیا در برابر غرب*. تهران: نشر فرزاد روز.
- شرف الدین، سیدحسین. (۱۴۰۰). بنیادهای هستی شناختی فرهنگ. *فصلنامه علمی پژوهشی قبسات*، ۲۶(۱۰۱)، ۱۳۶-۱۰۷.
- شمس، مجید و امینی، نصیره. (۱۳۸۸). ارزیابی شاخص فرهنگ ایرانی و تاثیر آن در توسعه گردشگری. *نگرش های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)*، ۱(۴)، ۹۳-۸۱.
- ضیا، محمدرضا و زارع، سحر. (۱۳۹۹). مروری بر چند تعریف از فرهنگ. *رهیافت فرهنگ دینی*، ۳(۱۱ و ۱۲)، ۶۰-۶۹.
- عزیزی مهر، خیام، پیری، صدیقه. (۱۳۹۷). طبقه، فرهنگ و سبک زندگی (مورد مطالعه: فرهنگ و سبک زندگی «طبقه بالای» جامعه). *مجله جامعه شناسی ایران*، ۱۹(۳)، ۱۶۳-۱۳۶.
- عسگری، علی، فدایی مهربانی وحید و فتحی، راضیه. (۱۴۰۱). سیر بالندگی و رشد فضای تهی در کالبدشناسی معماری خانه های تهران (اواخر دوران قاجار تا ابتدای دوره جمهوری اسلامی). *هنر و تمدن شرق*، ۱۰(۳۸)، ۵۴-۴۱.
- فتحی راسخ، ناصر. (۱۳۸۷). *خشت و شیشه هنرمعماری در آثار جلال احمد*. تهران: انتشارات افق.
- فردید، احمد. (۱۴۰۱). *دیدار فرهی و فتوحات آخرالزمان به کوشش مددپور، موسسه فرهنگی پژوهشی*. تهران: نشر نظر.
- فیروزفر آقای، لیلا، موسوی، میرسعید، ولیزاده، نیما و شفیع زاده، اسدالله. (۱۴۰۳). بررسی میزان تجلی سنت و مدرنیته در خانه های تاریخی تبریز بر اساس دیدگاه معماران. *مطالعات هنر/اسلام*، ۲۱(۵۳)، ۴۷۰-۴۴۲.
- کابلی، احمدرضا. (۱۴۰۲). واکاوی عوامل فرهنگی و هویتی در شهرسازی و معماری دوره پهلوی (مطالعه موردی: شهر اهواز). *اندیشه های نو در علوم جغرافیایی*، ۱(۱)، ۲۰-۱.
- کاویان پور احمد. (۱۳۷۲). *تاریخ ایران*. تهران: انتشارات آذر کهن.

- کسرائی محمدسالار، اصغرپور ریتا. (۱۳۹۹). بر ساخته های گفتمان غرب زدگی؛ بافته های جلال آل احمد. جامعه پژوهی فرهنگی، ۱۱(۱): ۹۳-۶۱.
- کواشی، فاطمه، خاتمی، احمد و طهماسبی، فرهاد. (۱۴۰۲). بررسی مسئله «خود» و «دیگری» در آثار میرزا ملکم خان ناظم الدوله. تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ۱۵(۵۵)، ۹۹-۷۳.
- کیخایی، آیدین. (۱۳۹۹). غرب زدگی و اصالت. غرب شناسی بنیادی، ۱(۱۱)، ۲۱۱-۲۲۷.
- لطیفی، محمد، مهدوی نژاد، محمدجواد، یاناکونه، جولیان و پیمنتا دو واله، کلارا. (۱۴۰۲). الگوی معماری اسلامی آینده با خوانش مبانی طراحی در مسکن بومی قاجار. مطالعات هنر اسلامی، ۱۸(۴۲)، ۳۷۲-۳۴۲.
- ماجدی، حمیدی، ابن الرضا، سیده سارا، حبیب، فرح. (۲۰۲۳). اصول و معیارهای تأثیر گذار بر هویت کالبدی معماری معاصر ایران (مطالعه موردی دوره ی پهلوی دوم). طراحی و برنامه ریزی در معماری و شهرسازی، ۱(۲)، ۴۵-۳۲.
- محبی گرمی، هومن، فرمehنی فراهانی، رضا و غیائی، محمد مهدی. (۱۴۰۰). سیر تأثیر گذاری نمادها، نشانه ها در تبیین معنای معماری در خانه های تاریخی دوره قاجار نمونه موردی شهرهای اردبیل، تبریز، ارومیه. مطالعات هنر اسلامی، ۱۸(۴۳)، ۵۱۷-۵۲۹.
- محمدمرادی، مونا، یوسف زمانی، مهرداد و فروتن، منوچهر. (۱۴۰۲). گونه شناسی کالبدی-فرهنگی خانه های سنج در دوره پهلوی اول (نمونه موردی: خانه های احمدزاده، امیرآصفی و مصری). پژوهش های باستان شناسی ایران، ۱۳(۳۸)، ۳۷۶-۳۴۲.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۹). فلسفه تاریخ. تهران: انتشارات صدرا، ج. ۱.
- مطهری، محمد مهدی، ارمغان، مریم و البرزی، فریبا. (۱۴۰۲). بازتاب انتظارات فرهنگ بر ساخته شرق شناسی در بازنمایی معماری معاصر ایران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۶(۱)، ۱۹۸-۱۶۷.
- مومنی، کوروش و مسعودی، زهره. (۱۳۹۵). رابطه فرهنگ و معماری (با بررسی موزه هنرهای معاصر تهران)، جلوه هنر، ۱(۸)، ۶۷-۸۲.
- میرزا حسینی، مرتضی، سلطان زاده، حسین. (۱۳۹۷). تبیین الگوهای نما در بناهای ساخته شده توسط معماران آلمانی در ایران (دوره ی پهلوی اول). مطالعات تاریخ فرهنگی، ۱۰(۳۸)، ۱۱۳-۱۵۵.
- نژادایران، محمد، حسام قاضی، روزان. (۱۴۰۱). غرب زدگی جلال آل احمد نقدی بر مدرنیسم سطحی و مدرنیزاسیون وابسته عصر پهلوی. فصلنامه علمی نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان، ۲(۱۲)، ۱۹۱-۱۶۱.
- نضافت، جلال، توحیدفام، محمد، بخشایشی اردستانی، احمد و امینی، علی اکبر. (۱۴۰۰). مولفه های غرب زدگی و بازگشت به هویت خویشتن در اندیشه جلال آل احمد. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۲(۳)، ۲۰۷-۲۳۲.
- وبستر. هلنا. (۱۳۹۶). بوردیو برای معماران. ترجمه: احسان حنیف. تهران: نشر کتاب فکر نو.
- وحدت، فرزین. (۱۳۸۲). رویاروی فکری ایران با مدرنیت. تهران: انتشارات ققنوس.

- Dirsmith, R. (2015). *Inside Hefner's Pleasure-Domes: Designing Xanadu for an American Icon Architecture and Dreams in Hugh Hefner's Empire With the Fabled Playboy Mansion Grotto*. Edited by Jim Wade and Suzanne Roe Dirsmith. 2nd ed. California: CreateSpace Independent Publishing Platform.

- Sharr, A. (2012). *Reading Architecture and Culture*. New York: Taylor and Francis. Shepherd, Clive. 2016. *The New Learning Architect*. 2nd ed. Morrisville, North Carolina, United States: Lulu: Online Self-Publishing Book & Ebook Company.

- Rapoport, A. (2012). *Culture, architecture, and design*. Translated by Maria Barzegar. Majid Yousof Niapasha. Sari: Shafli Publications.